

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱

در مکتب قرآن

سلسله درسگفتارهای تفسیری

شهید
آیت الله
دکتر بهشتی

سرشناسه: بهشتی، سید محمد، ۱۳۰۷-۱۳۶۰.

Mohammad Beheshti

عنوان و نام پدیدآور: در مکتب قرآن (۱) / سیدمحمد حسین بهشتی؛ تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی / ویراستار جواد اژه‌ای.

مشخصات نشر: تهران: روزنه، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۲۸ ص.

شابک: ۵-۴۴۰-۲۳۴-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: تفاسیر شیعه— قرن ۱۴

موضوع: Quran-- Shiitehermeneutics -- 20th century

موضوع: بهشتی، سید محمد، ۱۳۰۷-۱۳۶۰— پیام‌ها و سخنرانی‌ها
شناسه افزوده: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید دکتر بهشتی

رده‌بندی کنگره: BP۹۸

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۸۷۸۱

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



در مکتب قرآن

سلسله‌درس‌گفتارهای تفسیری

شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

تهیه و تنظیم: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

تلفن: ۲۲۲۶۳۵۰۰

ویراستار: جواد اژه‌ای

بازبینی: مجید رضایی دوانی

طرح جلد: سید صدرالدین بهشتی

چاپ اول: ۱۴۰۰

قیمت: ۹۹۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: پردیس دانش

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۷۳۰ - ۸۸۸۵۳۶۳۱ ✉ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

سایت: www.rowzanehnashr.com

rowzanehnashr

rowzanehnashr

ISBN: 978-622-234-440-5

شابک: ۵-۴۴۰-۲۳۴-۶۲۲-۹۷۸

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است ✨

فهرست

نیایش، پرستش و دعا.....	۴۶	پیش‌گفتار.....	۹
کدام یاری‌رسانی و کمک خواهی.....	۴۷	روش برداشت از قرآن.....	۱۳
توصیف راه راست.....	۴۹	قرآن برای همگان قابل فهم است.....	۱۴
مسلمان با جامعه‌ای غیراسلامی.....	۵۱	کلیدهای فهم قرآن.....	۱۴
مصدق خشم‌گرفته شده‌ها و بی‌راهه رونده‌ها.....	۵۲	درک ارتباط آیات قرآن.....	۱۸
پرسش و پاسخ.....	۵۳	پی بردن به احکام قطعی قرآن.....	۱۹
سوره بقره ۵-۱.....	۵۹	تعمیم و گسترش آیات قرآن.....	۱۹
ترتیب چینش قرآن.....	۶۰	برداشت افراد از قرآن متفاوت است.....	۲۰
حروف مقطعه در قرآن.....	۶۱	قرآن را نباید تفسیر به رأی کرد.....	۲۱
افق بلند دید قرآن.....	۶۴	معنای رمزگونی قرآن.....	۲۴
تقوا، شرط بهره‌مندی از هدایت قرآن.....	۶۴	فهم کامل قرآن نیاز به تخصص دارد.....	۲۵
ایمان به غیب، شرط بهره‌مندی تقوای پیشگان از قرآن.....	۶۶	درک کلمات رمز و آیات متشابه در قرآن.....	۲۶
جایگاه کلیدی نماز در دین.....	۶۷	چگونگی استفاده از روایات تفسیری.....	۲۸
انفاق، شرط دیگر بهره‌مندی از هدایت قرآن.....	۶۹	ابدئولوژی و درک قرآن.....	۳۲
تعصب و عدم پذیرش حق.....	۷۰	سوره حمد ۷-۱.....	۳۹
یقین به آخرت.....	۷۲	شیوه گردآوری و تدوین سوره‌های قرآن.....	۴۰
چرا در قرآن از «اقامه نماز» و نه «خواندن نماز» یاد می‌شود؟.....	۷۲	جایگاه سوره‌ها در قرآن.....	۴۰
سوره بقره ۱۶-۶.....	۷۴	آموختن معانی مفهوم سوره حمد.....	۴۱
تقسیم انسان‌ها به سه گروه.....	۷۶	خدای رحمت.....	۴۲
تفاوت آن‌ها که حق را نشناخته‌اند.....	۷۸	خدای «مالک یوم‌الدین».....	۴۴
تفاوت کافران و منافقان.....	۸۰	باور به مبدأ و معاد.....	۴۵

۱۶۵..... زندگی یهودیان در جامعه مسلمانان	۸۶..... جمع بندی
۱۶۶..... برتری بنی اسرائیل از دیدگاه قرآن	۸۷..... پرسش و پاسخ
۱۷۱..... سوره بقره ۶-۴۷	۹۲..... سوره بقره ۲۵-۱۷
۱۷۴..... حاکمیت الله بر نظام طبیعی جهان	۹۶..... پرسش و پاسخ
۱۷۷..... معجزات الهی	۱۰۷..... سوره بقره ۲۷-۲۶
۱۷۸..... زندگی بر اساس محاسبه	۱۰۸..... شیوه برخورد با مثل های قرآنی
۱۷۹..... وضعیت زندگی بنی اسرائیل در مصر	۱۰۹..... تقدم پیراستن بر آراستن
۱۸۲..... سوره بقره ۶۱-۶۲	۱۱۱..... پیمان شکنی مانع پذیرش حق
۱۸۴..... سوره بقره ۶۳-۷۴	۱۱۲..... بند اول:
۱۸۶..... چکیده مباحث گذشته	۱۱۷..... پرسش و پاسخ
۱۸۸..... بنی اسرائیل در عصر حضرت موسی (ع)	۱۲۴..... سوره بقره ۲۹-۲۸
۱۹۱..... نداشتن لیاقت زندگی بهتر	۱۲۵..... استدلال قرآن برای اثبات معاد
۱۹۲..... معجزات و حوادث	۱۲۶..... قرآن، کتاب هدایت است نه علوم طبیعی
۱۹۵..... تبیین برخی داستان های مربوط به بنی اسرائیل	۱۲۸..... شگفتی های علمی قرآن
۱۹۷..... وضعیت جامعه ها	۱۲۹..... آفرینش از دیدگاه قرآن
۲۰۰..... سوره بقره ۷۵-۷۹	۱۳۰..... نقش توجه به آگاهی خداوند از انسان در تربیت
۲۰۲..... سوره بقره ۸۲-۸۰	۱۳۴..... دیدگاه قرآن درباره آغاز آفرینش جهان
۲۰۲..... بایاد قیام امام حسین (ع)	۱۳۹..... سوره بقره ۳۹-۳۰
۲۰۳..... خودخواهی های یهود	۱۴۰..... آفرینش جهان و انسان از دیدگاه قرآن و علوم طبیعی
۲۰۴..... سرایت پندارهای یهود به امت اسلامی	۱۴۱..... نظریه اصالت انواع
۲۰۵..... ایمان عاطفی یا عقلایی	۱۴۲..... فرضیه تطور انواع
۲۰۷..... ملاک حق و باطل	۱۴۳..... نقد دیدگاه علوم طبیعی در آفرینش جهان و انسان
۲۰۸..... مبنای حرکت امام حسین (ع)	۱۴۵..... مسلمان و شناخت علت حوادث
۲۰۹..... معنای شیعه علی بودن	۱۴۶..... تکیه بر علم و دانایی
۲۱۱..... حسین (ع) رهبر قابل اعتماد	۱۴۷..... دلایل صاحبان نظریه تکامل
۲۱۵..... سوره بقره ۸۶-۸۳	۱۵۱..... پرسش و پاسخ
۲۱۶..... برتری بنی اسرائیل	۱۵۸..... سوره بقره ۴۶-۴۰
۲۱۸..... دین برای رسیدن به دنیا	۱۵۹..... بنی اسرائیل در عصر پیدایش اسلام
۲۱۹..... ملاک اصلی ایمان و عمل صالح	۱۶۰..... دلیل زندگی یهودیان در جامعه های در بسته

۲۷۴.....	جمع‌بندی بحث	۲۲۶.....	سوره بقره ۹۲-۸۷
۲۷۵.....	سوره بقره ۱۱۵-۱۱۱	۲۲۸.....	سوره بقره ۱۰۱-۹۳
۲۷۷.....	سوره بقره ۱۲۳-۱۱۶	۲۳۰.....	ایمان‌های انحرافی
۲۷۸.....	عیسی (ع) و فرشتگان، بندگان خدا	۲۳۱.....	بهشت را به بها دهند نه به بهانه
۲۷۹.....	آفریدگاری خدا	۲۳۳.....	اسلام همه‌جانبه، مایهٔ سعادت
۲۷۹.....	مفهوم نژاد برتر بودن قوم یهود	۲۳۷.....	حدیثی پیرامون ملاک تواضع
۲۸۱.....	خاتمیت پیامبر اکرم (ص)	۲۳۹.....	سوره بقره ۱۰۳-۱۰۲
۲۸۴.....	رؤیت خدا از پشت پرده‌ها	۲۴۰.....	نظام اجتماعی ایده‌آل از دیدگاه اسلام
۲۸۶.....	راه سالک خدا	۲۴۵.....	سحر و جادو؛ انحراف از راه راستین زندگی
۲۸۷.....	مرور مفهومی آیات	۲۴۸.....	حدیثی دربارهٔ تواضع متقابل معلم و فراگیر
۲۸۸.....	ولایت اهل بیت	۲۵۰.....	سوره بقره ۱۱۰-۱۰۴
۲۹۰.....	سوره بقره ۱۴۱-۱۲۴	۲۵۱.....	مشکلات بزرگ از مسائل کوچک پدید می‌آید
۲۹۴.....	راه و رسم زندگی مسلمانان	۲۵۵.....	مفهوم نسخ و انشاء در قرآن
۲۹۵.....	عدالت و ستمگری	۲۶۳.....	سوره بقره ۱۰۶-۱۰۵
۲۹۶.....	میزان بودن انسان	۲۶۵.....	ارتقاء سطح قانون
۳۰۰.....	مرجعیت و عدالت	۲۶۷.....	خاتمیت پیامبر اسلام (ص)
۳۰۲.....	پرسش و پاسخ	۲۶۸.....	تکامل دین
۳۰۶.....	سوره بقره ۱۵۲-۱۴۲	۲۶۹.....	رسالت جهانی
۳۰۹.....	ماجرای تغییر قبله و مسائل مربوط به آن	۲۷۰.....	تفاوت قرآن و انجیل
۳۱۲.....	تغییر قبله و مخالفان	۲۷۲.....	ظهور قرآن در عصر اندیشیدن
۳۲۱.....	نماینه	۲۷۳.....	خاتمیت اسلام

پیش‌گفتار

دامنه مطالعات و تحقیقات آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی به قدری گسترده و متنوع و در عین حال عمیق است که به راستی توصیف او به صفتی معین را دشوار می‌کند. تحقیقات ژرف‌اندیشانه در فلسفه اسلامی، فهم متون فلسفه غرب که با تسلط وی به زبان‌های انگلیسی و آلمانی بدون واسطه صورت می‌گرفت، دانش تحلیلی او از تاریخ اسلام و جهان، آشنایی با تاریخ و فلسفه علم، مطالعات گسترده در زمینه علوم اجتماعی و انسانی نوین، دانش عمیق در فقه و اصول آن و تبحر در علوم حدیث، آن‌چنان در آثار به جای مانده از او متجلی است که زبان را در مقابل توانمندی‌هایی که طی عمر کوتاه پنجاه‌وسه ساله‌اش کسب کرده، به تحسین وامی‌دارد. اما گزارف نیست که مهم‌ترین دغدغه فکری وی را فهم قرآن و یافتن راه‌های عمل به آن در زندگی شخصی و اجتماعی بدانیم. به همین سبب است که استناد به قرآن و تکیه بر استدلال‌های قرآنی، تقریباً بر همه گفتارها و نوشتارهای او سایه افکنده است.

اهتمام به قرآن پژوهی و تلاش برای هموار ساختن راه انس با کلام وحی برای مخاطبانش، شهید بهشتی را به برگزاری جلسات تفسیر قرآن سوق داد. درس‌گفتارهای در مکتب قرآن، مجموعه دو دوره تفسیر قرآن است. نخست، دوره تفسیری که در سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۴۴ در مرکز اسلامی هامبورگ، که به عنوان مدیر آن به خدمت اشتغال داشت، انجام شد و آیاتی از سوره‌های اعراف، انفال، توبه، یونس، یوسف، کهف، طه، انبیاء، حج و دهر در آن توضیح داده شده است. پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۴۹ نیز به درخواست گروهی از علاقه‌مندان، جلسات تفسیر قرآن در شب‌های یکشنبه به‌طور سیار در خانه‌های فعالان و مبارزان آن زمان برگزار می‌شد که برای مصونیت از حساسیت سازمان اطلاعات و امنیت (ساواک)، با نام و پرچم سبز «مکتب قرآن» تشکیل می‌شد. این دوره تفسیر از بحثی درباره روش و مبانی تفسیر آغاز می‌شود و سوره‌های حمد، بقره و آل عمران را در بر می‌گیرد. سرانجام با فشار ساواک، آن جلسات تعطیل شد. نام‌گذاری این مجموعه با توجه به آن سابقه تاریخی صورت گرفته است.

درباره این مجموعه، تذکر چند نکته ضروری است:

- از آنجا که جلسات به صورت درس گفتار ارائه می‌شد، از مخاطبان خواسته می‌شده است که در مباحثات مشارکت فعال داشته باشند و با مطالعه آیات و روایات مربوط و نیز طرح پرسش‌ها و دیدگاه‌های خود، به شکل کار کلاسی در برگزاری جلسات مشارکت کنند.
- مخاطبان دوره تفسیری آلمان غالباً از ایرانیان ساکن آن دیار اعم از بازرگانان، دانشجویان و ایرانیان مقیم، و مخاطبان دوره تفسیری ایران شامل بازاریان مبارز، دانشجویان، طلاب و دیگر علاقه‌مندان به فهم قرآن بوده‌اند. طبیعی است که سطح مباحث متناسب با مخاطبان انتخاب می‌شده است.
- شیوه تفسیری به کار گرفته شده به لحاظ روش دسته‌بندی و اهمیت مباحث، مشابهت زیادی با روشی دارد که استادش، مرحوم علامه طباطبایی در المیزان استفاده کرده است. براین اساس، هنگام بحث درباره هر موضوع، سعی می‌شود آیات مرتبط از سوره‌های دیگر هم کندوکاو شود.
- رویکرد شهید بهشتی به زیست مسلمانی را باید بیش از هر چیز قرآن محور دانست. در اینجا نمی‌خواهیم خوانشی تاریخمند از اندیشه وی ارائه کنیم؛ ولی شاید بتوان آن را متأثر از جریان بازگشت به قرآن دانست که یادآور نام عالمانی همچون آیت‌الله سیداسدالله خرقانی (۱۲۱۷-۱۳۱۵) و آیت‌الله محمدحسن شریعت سنگلجی (۱۲۷۱-۱۳۲۲)، چهره‌هایی مانند علامه سیدمحمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰)، آیت‌الله سید محمود طالقانی (۱۲۸۹-۱۳۵۸) و آیت‌الله سیدمحمدجواد موسوی غروی اصفهانی (۱۲۸۲-۱۳۸۴) است. وی تلاش می‌کرد عواقب مهجور ماندن قرآن در مباحثات دینی و غلبه اتکا به روایات در معارف شیعه را بازنمایاند و در جهت تجدید انس عالم و عامی با کتاب الهی قدم بردارد. چنانچه در جای جای مباحث تفسیری مشاهده خواهید کرد، شهید بهشتی نیز آغاز عقب ماندگی مسلمانان را از زمانی می‌داند که از بهره‌گیری از کلام وحی با زبان فطرت بازداشته شدند. براین اساس، با وجود احاطه کافی به سنت تفسیرنویسی، هدف بنیادین درس گفتارهای تفسیری وی، بازگرداندن انس با فهم دین از طریق قرآن است و نه ورود به مباحث پیچیده و فنی مفسران سلف. به بیان دیگر، تلاش این درس گفتارهای تفسیری، تجدید حیات قرآن به مثابه راهنمای زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است.
- نخستین جلسه تفسیر در ایران، به شرح و توضیح روش تفسیر قرآن و مقاصد مورد نظر شهید بهشتی در مبادرت به این کار اختصاص داشت که متأسفانه به رغم تلاش‌های

بسیار، نوار صوتی آن یافت نشد. باید توجه داشت که آن سال‌ها مصادف است با رواج دین‌شناسی‌های غیرعلمی و گاه التقاطی و دسترسی به آن گفتار می‌توانست در فهم بستر معرفتی تفسیر حاضر بسیار مفید باشد. خوشبختانه در همان ایام، شهید حجت‌الاسلام علی‌اکبر‌آزهی مصاحبه‌ای درباره‌ی روش برداشت از قرآن انجام داده که پیش از این هم به‌طور جداگانه توسط بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی منتشر شده و در مجموعه پیش‌رویتان به‌عنوان پیش‌گفتار آمده است.

- یکی از ویژگی‌های شهید بهشتی این بود که برای ایراد سخن در هر مجلسی که حضور می‌یافت، حتی اگر در قالب سخنرانی عمومی مانند آنچه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بدان مبادرت می‌ورزید بود، یادداشت تهیه می‌کرد. خوشبختانه بخشی از یادداشت‌های وی برای جلسات تفسیر به دست آمد که در متن و پانویست گفتارها از آن‌ها بهره برده‌ایم.
- توجه شهید بهشتی به فارسی‌گویی و فارسی‌نویسی در ادبیات دینی موجب شد که به برگردان دقیق و فصیحی از قرآن به فارسی دست یازد و ترجمه تعداد زیادی از آیات را از جزء‌های اول بنگارد. افسوس که وقوع انقلاب و فقدان زود هنگام وی، اتمام این کار سترگ را ناتمام گذاشت. با این همه، در تنظیم متن حاضر از همان نگاه‌ها نیز سود جستیم.
- به‌منظور آشنایی مخاطبان، پانویست‌های توضیحی درباره‌ی برخی مطالب که در متن به آن‌ها اشاره شده است اضافه شده است که همه از ویراستار است.
- خط‌نگاشته‌ای که از سوره حمد و ترجمه آن توسط شهید بهشتی در آغازین صفحه این مجموعه ملاحظه می‌کنید، به خط زنده‌یاد استاد غلامرضا تنها و تذهیب استاد کیوان شجاعی منش است که اختصاصاً برای چاپ در کتاب حاضر پدید آمده است. مراتب سپاس خود را از این اساتید محترم اعلام می‌کنیم.
- با وجود تلاش بسیاری که صورت گرفت، نوار صوتی جلسات بسیاری تا زمان انتشار این مجموعه یافت نشد. بریدگی در برخی از مباحث ناشی از همین است. امیدواریم با انتشار این مجموعه، اگر افرادی نوارهای مفقوده را در اختیار دارند به دست ما برسانند تا این نقایص برطرف شود. با این همه، جلساتی که صورت آن‌ها یافت نشد، ولی ترجمه آیات آن‌ها در دست‌نوشته‌های شهید بهشتی موجود بود به‌صورت آیات و ترجمه آورده شده است.

در اینجا ضرورت دارد به نکته مهمی توجه دهیم و آن اینکه برای فهم دیدگاه‌های قرآنی شهید بهشتی، بایسته است که پژوهشگران عزیز به مطالعه اثر حاضر بسنده نکنند و به دیگر آثار آن اندیشمند گران‌قدر، به‌ویژه آثار مرتبط با قرآن مانند پیامبری از نگاهی دیگر؛ بانکداری، ربا و قوانین

مالی اسلام؛ خدا از دیدگاه قرآن؛ شناخت از دیدگاه قرآن؛ ترجمه تاریخ قرآن اثر تئودور نولدکه و حق و باطل از دیدگاه قرآن نیز مراجعه کنند.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاش‌های سرکار خانم حمیده روحپور، کارشناس آرشیو بنیاد که با دقت و تعهد بسیار بازیافت و پیاده‌سازی متن را ممکن ساختند، جناب آقای رضا کنگرلو که در پیاده‌سازی متون یاری رساندند، زنده‌یاد حجت‌الاسلام دکتر جواد اژه‌ای که ویرایش متن و تدوین و تنظیم پانوشت‌ها را بر عهده گرفتند، جناب حجت‌الاسلام مجید رضایی دوانی که بازبینی نهایی متن را عهده‌دار شدند، جناب آقای احمد هاشمی که یکسان‌سازی رسم‌الخط و نمایه‌ها را انجام دادند، سرکار خانم اکرم مداح که در تصحیح متن تایپ‌شده و صفحه‌آرایی صبورانه ما را همراهی کردند و جناب آقای سید علیرضا بهشتی شیرازی مدیر محترم انتشارات روزنه که انتشار آن را ممکن ساختند سپاسگزار می‌کنیم. در چهلمین سال شهادت آن مصلح اندیشمند، این مجموعه ارزشمند را به همه علاقمندان به فهم عمیق‌تر قرآن تقدیم می‌کنیم.

سید علیرضا حسینی بهشتی

روش برداشت از قرآن

○ علی اکبر اژه‌ای: در بیست سال اخیر شاهد موج گسترده‌گرایی به فهم قرآن هستیم و تمایل زیادی به فهم آن پیدا شده است؛ به ویژه نسل جوان از این حالت که به آنان گفته می‌شد نزدیک قرآن نیایید چون آن را نمی‌فهمید و درک نمی‌کنید، درآمده و خودشان می‌خواهند هرچه بیش‌تر از قرآن استنباط و برداشت کنند و می‌بینید که به چه برداشت‌های زنده‌ای هم رسیده‌اند؛ البته انحرافات زیادی هم پدید آمده است، دسته‌ای از این راه و دسته‌ای از آن راه؛ از آن طرف تعبیرها، تفسیرها و پیش‌داوری‌هایی می‌شود و از این طرف هم موانع زیادی به وجود می‌آید. برای آنکه جوانان با همین امکانات ضعیفی که دارند بتوانند خیلی خوب و اصیل از قرآن استفاده کنند، چه باید کرد و شما چه شیوه‌ای را پیشنهاد می‌کنید؟

● دکتر بهشتی: چند سال قبل در بحث‌های تفسیری مکتب قرآن به مناسبت تفسیر آیه کریمه:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ
مُتَشَابِهَاتٌ»

«او کسی است که کتاب را بر تو نازل کرد که بخشی از آن محکمات است که اساس کتاب است و بخش دیگر متشابهات است.»

بحث نسبتاً گسترده و مفصلی حول این موضوع داشتم که خوشبختانه ضبط شده و توصیه می‌کنم در درجه اول آن بحث را با آن گستردگی که دارد و با آمادگی قبلی در چند جلسه ایراد شده است را گوش کنید و اگر مناسب دانستید آن را در اختیار جویندگان راه حق و علاقه‌مندان به فهم قرآن قرار دهید؛ وگرنه این پاسخ فشرده را که بدون تنظیم قبلی است و شک دارم که از جامعیت

لازم برخوردار باشد، در اختیارشان قرار دهید. پاسخ به پرسش شما را بندهند می‌گویم که از هم مجزاً باشد.

قرآن برای همگان قابل فهم است

در اینکه فهم قرآن کریم اختصاص به گروه معینی ندارد، کم‌ترین تردیدی نیست. بی‌شک قرآن برای استفاده همگان آمده و این مطلبی است که آیات قرآن بر آن تأکید فراوان دارد. قرآن همواره تأکید می‌کند که این کتاب، کتاب هدایت برای متقین و کتاب نور، روشنگر، مبین و آشکارکننده حقایق و وظایف است. روشن است که قرآن مستقیماً مورد استفاده کسانی قرار می‌گرفت که به وحی خداوندی از زبان پیغمبر اکرم (ص) گوش فرا می‌دادند. در داستان‌های تاریخی به کرات آمده است که افرادی که مسلمان نبودند، حتی مشرک و مخالف اسلام بودند، وقتی به چند آیه از قرآن گوش می‌کردند، از همان معنایی که از آیات می‌فهمیدند، شور و هیجان و عشقی شدید نسبت به اسلام پیدا می‌کردند و هدایت می‌شدند. وقتی حکم یا دستوری جهادی به صورت آیه بر پیغمبر (ص) نازل می‌شد، ایشان همان آیه را بر مردم می‌خواند و مردم از همان آیه تکلیف خود را می‌فهمیدند.

بنابراین، در این باره تردیدی نیست که بخش اساسی و معظم قرآن، نه قسمت‌هایی کم و بخش‌های فرعی آن، برای فهم همگان است و آیات قرآن و همه کسانی که با تاریخ و سیره‌آشنایی دارند، بر این معنی تصریح می‌کنند که بخش عمده قرآن قابل فهم برای عموم مسلمانان است، نه برای فهمیدن گروهی خاص.

کلیدهای فهم قرآن

همین قسمت معظم قرآن که برای عموم قابل فهم است، اولاً به زبان عربی است، ثانیاً به زبان عربی عصر پیغمبر (ص) است و ثالثاً به صورت القای شفاهی یک مطلب است، نه به صورت یک نوشته؛ یعنی مانند همین سخنی که الآن می‌گویم، سخنی است رویاروی که به تدریج و به مناسبت‌های گوناگون برای مردم بیان شده، نه به صورت کتابی که مؤلف آن را از اول تا آخر تنظیم کرده باشد. مطلبی بر پیغمبر (ص) نازل می‌شد و پیغمبر هم آن را شفاهاً به مردم القا می‌کرد، بعد مردم این مطلب را در حافظه‌ها یا نوشته‌ها یادداشت و ضبط می‌کردند.

پس این سه نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. قرآن به زبان عربی است؛

۲. به زبان عربی عصر پیغمبر (ص) است؛

۳. مطلبی است که به صورت شفاهی القا شده و بعداً به صورت سینه به سینه نقل، نوشته و ثبت شده است.

این سه نکته، مطالبی را پیش می‌آورد که همه کسانی که به فهم قرآن علاقه‌مندند، باید به آن‌ها توجه فراوان کنند.

اول، لزوم آشنایی با زبان عربی است. گفتیم قرآن به زبان عربی است؛ بنابراین برای فهم یک متن عربی، بی‌شک مطالعه‌کننده باید این زبان را به خوبی فراگیرد. یادگیری خوب زبان عربی، شرط اول مراجعه مستقیم به قرآن کریم است. متأسفانه در میان دوستان بسیار خوب، دوست داشتنی و دارای حسن نیت، هستند کسانی که بدون تسلط به زبان عربی و صرفاً با آشنایی ابتدایی با صرف و نحو و با استفاده از کتاب‌های لغت یا حتی واژه‌نامه‌های قرآن که اخیراً از عربی به فارسی تهیه شده است، در صدد فهم معنی آیات برمی‌آیند و گاهی اشتباهاتی می‌کنند که واقعاً مضحک و خنده‌آور است؛ ولی به دلیل حسن نیتشان هر وقت مراجعه کرده‌اند و به آن‌ها توضیح داده‌ایم که در کارشان چه نقص‌هایی وجود داشته است، خیلی راحت قبول کرده‌اند.

از آنجا که این کتاب به زبان عربی است، برای فهم قرآن باید به این زبان تسلط کامل داشته و در حد یک عرب‌زبان با آن آشنا باشیم؛ بنابراین، آشنایی کافی با صرف و نحو و دانستن لغات لازم است، همچنین قدرت استفاده از کتاب‌های لغت. با توجه به این نکته که گاهی یک واژه ممکن است چندین معنی داشته باشد و تشخیص اینکه در اینجا کدام معنی مناسب است، احتیاج به علم و تسلط نسبی بر استفاده از کتاب‌های لغت دارد.

دوم، قرآن به زبان عربی عصر پیغمبر (ص) است. همه کسانی که با زبان آشنا هستند، می‌دانند که در میان همه ملت‌ها، زبان دچار تحول و تطور می‌شود. ممکن است لغتی در ۱۳۰۰ سال قبل معنی خاصی داشته و امروز معنای جدیدی پیدا کرده باشد، یا اینکه امروز آن معنی همراه با معنای جدید به کار رود. باید مراقب باشیم معنای رایج کلماتی که در آیات قرآن وجود دارد، در عصر نزول آیات چه بوده است. شاید کلمه‌ای باشد که امروز یک معنی پیدا کرده است که خوشایند ماست و دوست داریم در قرآن نیز همین معنی را بدهد؛ حال آنکه این معنی در زمان نزول وحی برای آن کلمه کاربردی نداشته است و استفاده از آن برای قرآن واقعاً غلط است.

یکی از دوستان که در حوزه طبیعت‌شناسی قرآن مطالعه می‌کرد، آیاتی را راجع به طبیعت از قرآن استخراج کرده و با تصاویر و توضیحاتی که به آن‌ها اضافه کرده بود، برای من آورد تا من هم نظری بدهم. از جمله کارهای ایشان این بود که برخی از کلمات تکیه‌هایی کرده که بعضاً موجب تغییر معنی شده بود. مثلاً استدلال کرده بود که آیه:

«الْمُ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا»^۱
 «آیا زمین را فراگیر نساختیم؟»

به حرکت زمین اشاره دارد. او در مراجعه به فرهنگ لغت دیده بود که کفات به معنی پرنده تیزپرواز است و آیه را ترجمه کرده بود: «آیا ما زمین را به صورت یک موجود تیزپرواز قرار نداده ایم» و به این صورت استدلال کرده بود که از نظر قرآن، زمین حرکت می‌کند. ملاحظه می‌کنید که این آقا به فرهنگ‌های لغت عربی مراجعه کرده و کفات را به معنی پرنده تیزپرواز یافته است. به او گفتیم که اولاً باید دید آیا کفات در عصر قرآن و در محیط نزول آن هم به معنی پرنده تیزپرواز به کار می‌رفته یا این معنایی است که به تدریج در ادوار بعدی پیدا کرده است؟ ثانیاً شما باید توجه کنید که این آیه متصل به آیه بعدی است:

«الْمُ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا. أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا»^۲
 «آیا زمین را برای احیا و اموات کفات قرار نداده ایم؟»

یعنی «احیاء و امواتاً» دنباله «کفاتاً» قرار می‌گیرد. بنابراین، معنی پرنده تیزپرواز برای زنده‌ها و مرده‌ها چیست؟ آیا معنی روشنی دارد؟ با مراجعه به فرهنگ‌ها معلوم می‌شود که کفات در اصل عبارت است از زمینی که دربرگیرنده چیزهای دیگر باشد. «آیا ما زمین را شیئی دربرگیرنده قرار ندادیم؟ برای زنده‌ها و برای مرده‌ها؟»؛ زنده‌هایی هستند که در زیر زمین لانه می‌سازند، مثل خرگوش و موجودات دیگر. لاشه مرده جانداران هم معمولاً درون زمین دفن می‌شود یا لایه‌هایی از سیل می‌آید و روی پیکرهای مرده را می‌پوشاند و از همین‌ها سنگواره‌ها به وجود می‌آید.

بنابراین، اینکه انسان ببیند کفات به معنی پرنده تیزپرواز به کار رفته و به دلیل اینکه در پی آن است که حرکت زمین را در آیه‌های قرآن نشان دهد فوراً آن را حمل بر این معنا کند، شیوه درستی نیست و باید از آن خودداری کرد. باید معلوم شود آیا کفات در عصر پیامبر (ص) هم به این معنی به کار می‌رفته یا این معنی جدیدی است؟ به ویژه که این معنی در کتاب‌های لغت پیشین وجود ندارد و این خود دلیلی بر جدید بودن معنی و وجود نداشتن آن در عصر پیامبر (ص) است. بنده هم اکنون برای بیان مطالب خود از عبارات و کلماتی استفاده می‌کنم و این کلمات را به همان معنایی به کار می‌برم که امروز از آن فهمیده و استفاده می‌شود. حالا اگر سیصد سال دیگر کلمات مورد استفاده من در این سخنرانی در معنای دیگری به کار رود، آیا کسی می‌تواند بگوید فلانی

۱. مرسلات (۷۷) آیه ۲۵.
 ۲. مرسلات (۷۷) آیات ۲۵ و ۲۶.

می‌خواست این منظور امروزی را بگوید؟ چنین کاری اصلاً درست نیست و باید کلمات را به همان معانی به‌کار ببریم که در آن عصر به‌کار می‌رفته است.

سوم، مطالب قرآنی به‌صورت شفاهی گفته شده است. هر مطلب شفاهی و حتی کتبی، ناظر به شرایط محیطی و اجتماعی زمان خودش است؛ زیرا در آن جو و فضا گفته یا نوشته شده است. بنابراین، وقتی شخصی درون این جو مطلبی را می‌گوید یا می‌نویسد، سلسله‌قرائنی وجود دارد که به فهم مقصود گوینده و نویسنده کمک می‌کند. این قرائن برای مخاطبین آن زمان وجود دارد که در عصرهای بعد نیز توجه به این عوامل برای فهم درست معنا باید مد نظر قرار گرفته شود. در نظر بگیرید صحنه جنگ اُحُد است و آیاتی خطاب به جنگجویان نازل می‌شود. این جنگجویانی که در صحنه جنگ هستند و تمام مسائل را به چشم می‌بینند و حضور ذهن دارند، با نزول آیه فوراً مطلب و مقصود خدای متعال را درک می‌کنند؛ حال من که امروز در آن صحنه جنگی نیستم، اگر بخواهم این مطلب را درک کنم، چه باید کنم؟ من امروز با مطالعه تاریخ باید خود را در آن صحنه قرار دهم. بنابراین، فهم صحیح از مقصود آیات قرآن، کم‌وبیش به حضور در صحنه‌های نزول این آیات ارتباط دارد. این حضور برای مردم عصر پیغمبر (ص) به‌خودی‌خود حاصل بوده است، ولی برای مردم دیگری که در آن عصر یا عصرهای بعد زندگی می‌کردند و از صحنه دور بودند، به چه وسیله‌ای باید حاصل شود؟ به‌وسیله مطالعه تاریخ. این است که یکی از شرایط فهم صحیح بسیاری از آیات قرآن، تحقیق و مطالعه تاریخی و حضور نسبی از طریق رجوع به تاریخ در شرایط نزول قرآن است. در این زمینه محققان گذشته، کتاب‌های متعددی را تحت عنوان اسباب‌النزول نوشته‌اند که دو کتاب از آن‌ها نمونه‌های بسیار خوب و معروفی است و مورد استفاده مفسران قرآن قرار می‌گیرد؛ یکی اسباب‌النزول واحدی^۱ و دیگری اسباب‌النزول سیوطی.^۲ کتاب‌های دیگری هم در این زمینه وجود دارند، ولی کافی نیستند. به نظر بنده، مطالعه دقیق یک دوره تاریخ اسلام برای فهم بسیاری از بخش‌های قرآن ضرورت دارد.

مطالب را این‌گونه خلاصه می‌کنم: باید توجه کرد که قرآن در سیزده یا چهارده قرن قبل در محیطی به زبان عربی نوشته یا به‌تراست بگوییم گفته شده و چون به زبان عربی است، کسی که امروز می‌خواهد آن را بفهمد، باید زبان عربی را به‌خوبی بداند و چون به زبان عربی چهارده قرن قبل است، باید از معانی لغات در آن عصر اطلاع پیدا کند و معانی جدید کلمات را به حساب قرآن واریز نکند و چون آیات در شرایط اجتماعی خاصی نازل شده است، انسان باید از طریق تحقیق تاریخی، خود را در شرایط آن زمان قرار دهد.

۱. ابوالحسن علی بن احمد معروف به واحدی نیشابوری (۳۹۸-۴۶۸ ه.ق).

۲. جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابوبکر سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ ه.ق).

درک ارتباط آیات قرآن

آیات قرآن با هم ارتباط دارند. گاهی این ارتباط خیلی روشن و واضح است، ولی همان طور که گفتیم، قرآن نوشته‌ای نیست که نویسندگان آن را به صورت یک کتاب تألیف کرده باشد؛ بلکه مجموعه‌ای از آیات و سوره‌هایی است که طی بیست و سه سال و به مناسبت‌های مختلف و با توجه به شرایط متنوع نازل شده و بعداً به صورت یک کتاب یا مجموعه درآمده است. آیات و سوره‌ها نیز به ترتیب تاریخ نزول وحی بر پیامبر (ص) در پی هم قرار نگرفته‌اند.

با تحقیق پیرامون تاریخ نزول آیات به این نتیجه می‌رسیم که در برخی موارد، چند آیه در ادامه سوره‌ای گذاشته شده که سال‌ها قبل نازل شده است؛ بنابراین، اگرگاهی دیده می‌شود که معنی ظاهر و روشن یک آیه با مطلب آیات قبل یا بعد از آن ارتباط کامل ندارد، نباید دچار تردید شویم و درصدد آن برآییم که معنی دیگری را برای آن آیه دست و پا کرده تا به مطلب آیات قبلی یا بعدی کاملاً مربوط شود.

در بسیاری از آیات قرآن مشاهده می‌شود که کلمه اول در آیه بعد متمم فعل یا صفتی است که در آیه قبل آمده است؛ به عبارت دیگر، گاهی دو بخش از یک جمله طولانی به صورت دو آیه درآمده است. نظیر این وضع را در اشعار هجایی در زبان‌های اروپایی که در فارسی با عنوان شعر نوشناخته می‌شود - که از نظر من نام صحیحی هم نیست - فراوان می‌بینیم. در این اشعار پایان هر بند، پایان جمله نیست و چه بسا بند بعدی متمم بند قبل باشد. باید به این سبک قرآن توجه داشته باشیم که آیات گاهی با یکدیگر چنین ارتباط روشنی دارند. بی‌توجهی و غفلت از این نکته می‌تواند منشأ اشتباه در فهم قرآن شود و ذهن را به سراغ معنا برداشتی دیگر از قرآن ببرد. مثلاً در آیه‌ای که قبلاً به آن اشاره کردیم، «الْمَنْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا. أَحْيَاءُ وَأَمْوَاتًا»، در اینجا اصولاً یک جمله نیست، حتی یک جمله ربطی هم نیست؛ دو کلمه است که بر یکدیگر عطف شده و دنباله آیه «الْمَنْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا» آمده است. این گونه روشن می‌شود که کلمه «کفات» باید معنایی داشته باشد که از نظر قواعد دستوری بتواند با «احیاء و امواتاً» که مربوط به آیه بعد است، مرتبط باشد. اگر کفات را پرندۀ تیزپرواز معنی کنیم، از نظر دستوری یک «اسم» است و نمی‌تواند با «احیاء و امواتاً» رابطه دستوری داشته باشد، ولی اگر به معنی «درب‌گیرنده» باشد، «احیاء و امواتاً» به آسانی می‌تواند با آن پیوند معنایی داشته باشد و در حکم مفعول برای این صفت باشد.

البته گاهی پیوند آیات آن چنان صریح و روشن نیست و نوعی انس و آشنایی با قرآن لازم است تا انسان پیوند آن‌ها را با یکدیگر بداند. این امر با مراجعه به تاریخ قرآن و بررسی زمان نزول آیات که منابع زیادی هم در این مورد وجود دارد، میسر می‌شود. مثلاً محقق متوجه می‌شود این چند آیه یا

این دسته از آیات با هم آمده است، بنابراین مجموعه آیات را باید مستقلاً بررسی کرد؛ از این رو که گاهی بعضی از آیاتی که در پی هم می‌آیند نیز لزوماً ارتباطی با هم ندارند. پس باید تک‌آیه و مجموعه آیه‌هایی را که با هم نازل شده است، با توجه به شرایط و زمان نزول به درستی شناسایی و دسته‌بندی کرد تا رابطه بین آن‌ها به دقت مشخص شود.

پی بردن به احکام قطعی قرآن

در قرآن در مورد یک موضوع آیاتی را می‌بینیم که در زمان‌های مختلف نازل شده است. یک بار چند آیه آمده و دو سال بعد، چند آیه دیگر و چون شرایط تازه‌ای بوده، مطلب تازه‌ای را گفته یا مطلب قبلی را تکمیل کرده است؛ هر گوینده یا نویسنده‌ای این کار را می‌کند. اگر امروز بخواهیم مراد قرآن و حکم اسلام درباره مطلبی را بدانیم، باید تمام آیات مربوط به آن مطلب را در قرآن بیابیم و با رعایت ترتیب تاریخی نزول آیات، آن‌ها را جمع‌بندی کنیم تا بتوانیم بفهمیم که مقصود نهایی اسلام چه بوده است.

اینکه گفته می‌شود: «القرآن یفسر بعضه بعضاً»؛ بیش تر ناظر به این بحث است.

تعمیم و گسترش آیات قرآن

در عین اینکه گفتیم قرآن کلامی است که در شرایط تاریخی خاص نازل شده و به مسائل آن زمان نظر دارد، ولی به حکم اینکه کتابی جاوید و جهانی است، هرگز نمی‌توان مقصود از آیات را به آنچه مربوط به شرایط ویژه آن زمان بوده است، محدود کرد و باید بتوان معنی آیات را به شرایط زمانی و مکانی دیگر نیز گسترش داد. گسترده بودن حکم و مقصود یک آیه و محدود نبودن آن در چهارچوب زمانی و مکانی خاص نزول آیات، امری روشن و مسلم است که از خود قرآن به دست می‌آید. وقتی قرآن، پیغمبر (ص) را:

«لِّلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»^۱

«هشدار دهنده جهانیان»

و «كَافَّةً لِلنَّاسِ»^۲

«برای همگی مردم».

۱. فرقان (۲۵)، آیه ۱.

۲. سباء (۳۴)، آیه ۲۸.

«برای خرید در مکتب قرآن با ۲۰ درصد تخفیف، به
آدرس زیر مراجعه کنید»

در مکتب قرآن (سلسله درسگفتارهای تفسیری)
مجموعه ۶ جلدی

نشر روزنه